نوروز جشن جادویی

اکنون هزاران سال و قرون متمادی است که نوروز در آغاز هر بهار نور امید و شادی را در قلب مردم ایران می‌افروزد و نشاط و تازگی را در جان انسان‌ها و طبیعت تزریق می‌کند. هزاران سال است که نوروز در این سرزمین چهره می‌گشاید تا شکوه و جلال را برای این ملت به ارمغان آورد و رمز جاودانگی را به نمایش بگذارد.

نوروز نام آیینی است که از ارکان فرهنگ ایران زمین بوده و حتی در شکل‌گیری تمدن بشری نیز نقش داشته است. آیینی که یادآور تاریخی دیرپا و ریشه‌دار بودن ملتی کهن می‌باشد.

نوروز فرهنگ است، هنر و نقاشی و رنگ‌آمیزی می‌باشد. نوروز موسیقی، نوا، سروش، عشق و درستی است. نوروز سنبل پیروزی نیکی بر بدی طراوات بر خشکی و فسردگی و در نهایت، تعادل و اعتدال بهاری است که مطابق با فطرت انسان می‌باشد.

نوروز پیروزی راستی را بر دروغ، دوستی را بر دشمنی، تعامل را بر تقابل، آشتی را به قهر، پاکی را به پلشتی، سبزی را بر خشکی و لبخند را بر اخم نوید می‌دهد و این پیروزی را در درازنای تاریخ تبدیل به یک سنت و فرهنگ کرده است.

نوروز گزارش گونه‌ای از پاکی‌ها، خوبی‌ها و فرزانگی پیشینیان است و چالش‌ها، خشم‌ها و خصومت‌ها را بازتاب نمی‌دهد و جز شادی و امید و خرمی پیامی ندارد.

نوروز گرچه ریشه در ایران و حوزه تمدنی آن دارد اما اکنون رنگ منطقه‌ای و جهانی به خود می‌گیرد و از حوزه فرهنگی ایران یعنی آسیای مرکزی و قفقاز و حتی آسیای غربی فراتر می‌رود و در سازمان ملل به‌عنوان یک جشن جهانی به رسمیت شناخته می‌شود. صدها میلیون انسان فرهیخته در گستره فرهنگی ایران از غرب چین تا شرق اروپا خواهان آن هستند

که نوروز به نمادی جهانی تبدیل شود تا اعتدال سازگاری و مدارا که پیام واقعی نوروز است بر جهان حاکم شود.

نوروز در تاریخ ایران تنها جشن شاهان نبوده که جشن همه ملت ایران بوده است. نوروز جشن طبیعت می‌باشد و طبیعی‌ترین جشن‌ها. نوروز جشن مردم است و با جان و دل مردم ایران آمیخته می‌باشد. به همین سبب مردم آزاده ایران در طول تاریخ و با همه فراز و نشیب‌های گوناگون، نوروز را امیدوارانه گرامی داشته‌اند و با برگزاری جشن نوروز هویت خود را حفظ کرده‌اند.

لغت جشن که امروز به معنی عید،کامرانی و مجلس شادی و نشاط به کار می‌رود، در اصل به معنی ستایش و نیایش بوده است و برپاکردن هر جشن رویی در نشاط داشته و رویی در ستایش و نیایش خداوند متعال که خالق طبیعت و انسان است، دارد. جشن نوروز که به مرور زمان به بزرگترین جشن ایرانیان تبدیل شده دارای همین ویژگی است و خدای بزرگ را به خاطر تجدید حیات در طبیعت ستایش می‌کند و به نیایش او می‌نشیند. این ویژگی نوروز عامل مهم درهم تنیدگی با دین مبین اسلام پس از ورود این آیین به ایران بود. به گونه‌ای که پس از مدتی نوروز تبدیل به یک سنت ملی و دینی شد که دیگر قابل تفکیک از یکدیگر نبودند.

تلفیق بعد دینی و ملی نوروز به مرور زمان کار را به جایی رساند که عید نوروز حالت تقدس به خود گرفت و زمان تحویل سال جنبه معنوی پیدا کرد و برنامه‌ریز آینده گردید. اعمال عید نوروز که شامل دعا و نماز و پوشیدن لباس پاکیزه و مصرف عطرهای خوشبو است. در مفاتیح‌الجنان حاج شیخ عباس قمی وارد شده و توصیه گردیده که در زمان نو شدن سال دعای یا مقلب القلوب و الابصار، یا مدبر الیل و النهار، یا محول الحول و الاحوال، حول حالنا الی احسن الحال قرائت گردد. در این دعا خواننده با اخلاص تمام از خداوند متعال می‌خواهد تا آینده او را سامان بخشد و بهترین وضعیت را برای او رقم زند.

نگاهی ژرف به نوروز این برداشت را می‌دهد که این جشن بزرگ عامل پیوند انسان، خدا و طبیعت است که هر سال تکرار می‌شود و سرنوشت یک‌ساله بشر را تنظیم می‌کند و او را برای تلاشی جدید با کمک باری‌تعالی و نیرو گرفتن از نو شدن جهان و طبیعت آماده می‌کند و به پیش می‌برد.

دکتر علی شریعتی جامعه شناس بزرگ ایران و از روشنفکران دینی برجسته معاصر و از فعالان والای فرهنگی دهه چهل و پنجاه خورشیدی که نقش بنیادین در وقوع انقلاب اسلامی ایران داشت، نوشتاری بس زیبا در مورد نوروز دارد که نقل بخش‌هایی از آن، مطلب حاضر را بیش از پیش غنا می‌بخشد.

دکتر شریعتی در ابتدای مطلب نوروزی خود که در کتاب کویر به چاپ رسیده است، می‌نویسد: «در اسفند ماه سال ۴۶ دانشجویان تاریخ به‌عنوان سفر علمی به عراق رفتند و من نیز ابتدا عازم بودم اما در آخرین لحظات ناگهان قسمت نشد. چون نوروز را در سفر بودند و آن‌جا جشن می‌گرفتند، این نوشته را به درخواست همکاران گرامی بر سر راه نوشتم تا در آن اجتماع بخوانند». (۱)

و اینک خلاصه‌ای از نوشتار استاد بزرگ درباره

نوروز زندگی‌بخش:

«نوروز یک جشن ملی است. جشن ملی را همه می‌شناسند که چیست. نوروز هر ساله برپا می‌شود و هر ساله از آن سخن می‌رود. در علم و ادب تکرار ملال‌آور است و بیهوده، عقل تکرار را نمی‌پسندد اما احساس تکرار را دوست دارد، طبیعت تکرار را دوست دارد، جامعه به تکرار نیازمند است و طبیعت را از تکرار ساخته‌اند. جامعه با تکرار نیرومند می‌شود و طبیعت را از تکرار ساخته‌اند. جامعه با تکرار نیرومند می‌شود، احساس با تکرار جان می‌گیرد و نوروز داستان زیبایی است که در آن طبیعت، احساس و جامعه هر سه دست‌اندرکارند». (۱)

« نوروز که قرن‌های دراز است بر همه جشن‌های جهان فخر می‌فروشد، از آن‌رو هست که قرارداد مصنوعی اجتماعی و یا یک جشن تحمیلی سیاسی نیست. جشن جهان است و روز شادمانی زمین و آسمان و آفتاب و جوش شکفتن‌ها و شورزادن‌ها و سرشار از هیجان هر آغاز». (۱)

«جشن‌های دیگران غالباً انسان را از کارگاه‌ها مزرعه‌ها، دشت و صحرا، کوچه و بازار، باغ‌ها و کشتزارها، در میان اتاق‌ها و زیرسقف‌ها و پشت درهای بسته جمع می‌کند اما نوروز دست مردم را می‌گیرد و از زیر سقف‌ها و درهای بسته، فضاهای خفه لای دیوارهای بلند و نزدیک شهرها و خانه‌ها به دامن آزاد و بیکرانه طبیعت می‌کشاند: گرم از بهار روشن از آفتاب، لرزان از هیجان آفرینش و آفریدن زیبا از هنرمندی باد و باران، آراسته با شکوفه جوانه، سبزه و معطر از بوی باران، بوی پونه، بوی خاک، شاخه‌های شسته باران خورده پاک ...». (۱)

«هیچ ملتی با یک نسل و دو نسل شکل نمی‌گیرد. ملت مجموعه پیوسته نسل‌های متوالی بسیار است اما زمان، این تیغ بی‌رحم، پیوند نسل‌ها را قطع می‌کند. میان ما و گذشتگانمان آن‌ها که روح جامعه ما و ملت ما را ساخته‌اند، دره هولناک تاریخ حفر شده است، قرن‌های تهی ما را از آنان جدا ساخته‌اند. تنها سنت‌ها هستند که پنهان از چشم جلاد زمان، ما را از این دره هولناک گذر می‌دهند و با گذشته‌هایمان آشنا می‌سازند. در چهره مقدس این سنت‌ها است که ما حضور آنان را در زمان خویش کنار خویش و در خود خویش احساس می‌کنیم و جشن نوروز یکی از استوارترین و زیباترین سنت‌ها است. در آن هنگام که مراسم نوروز را به پا می‌داریم. گویی خود را در همه نوروزهایی که هر ساله در این سرزمین بر پا داشته‌ایم، حاضر می‌یابیم و در این حال صحنه‌های تاریک و روشن و صفحات سیاه و سفید تاریخ ملت کهن ما در برابر دیدگانمان ورق می‌خورد، رژه می‌رود. ایمان به این‌که نوروز را ملت ما هر ساله در این سرزمین برپا می‌داشته است، این اندیشه پرهیجان را در مغزمان بیدار می‌کند که آری هر ساله حتی همان سالی که اسکندر چهره این خاک را به خون ملت ما رنگین کرده بود، در کنار شعله‌های مهیبی که از تخت جمشید زبانه می‌کشید. همان‌جا، همان وقت مردم مصیبت زده ما نوروز را جدی‌تر و با ایمان بیشتری برپا می‌کردند». (۱)

«نوروز همه وقت عزیز بوده است، در چشم مغان در چشم موبدان، در چشم مسلمانان و در چشم شیعیان مسلمان، همه نوروز را عزیز شمرده‌اند و با زبان خویش از آن سخن گفته‌اند». (۱)

«اگر روزی خدا جهان را آغاز کرده است، مسلماً

آن روز این نوروز بوده است. مسلماً بهار نخستین فصل و فروردین نخستین ماه و نوروز نخستین روز آفرینش است. هرگز خدا جهان را و طبیعت را با پاییز یا زمستان یا تابستان آغاز نکرده است». (۱)

«اسلام که همه رنگ‌های قومیت را زدود و سنت‌ها را دگرگون کرد، نوروز را جلای بیشتر داد شیرازه بست و آن را با پشتوانه‌ای استوار از خط زوال در دوران مسلمانی ایرانیان، مصون داشت. انتخاب امام علی به خلافت و نیز انتخاب امام علی به وصایت در غدیر خم هر دو در این هنگام بوده است و چه تصادف شگفتی، آن همه خلوص و ایمان و عشقی که ایرانیان در اسلام به امام علی و حکومت او داشتند پشتوانه نوروز شد. نوروز که با جان ملیت زنده بود روح مذهب نیز گرفت. سنت ملی و نژادی، با ایمان مذهبی و عشق نیرومند تازه‌ای که در دل‌های مردم این سرزمین برپا شده بود، پیوند خورد و محکم گشت مقدس شد و در دوره صفویه رسماً یک شعار شیعی گردید. مملو از اخلاص و ایمان و همراه با دعاها و اوراد ویژه خویش، آن‌چنان که یک سال نوروز و عاشورا در یک روز افتاد و پادشاه صفوی آن روز عاشورا گرفت و روز بعد را نوروز». (۱)

«نوروز ـ این پیری که غبار قرن‌های بسیار بر چهره‌اش نشسته است ـ در طول تاریخ کهن خویش، روزگاری در کنار مغان، اوراد مهرپرستان را خطاب به خویش می‌شنیده است، پس از آن در کنار آتشکده‌های زرتشتی، سرود مقدس موبدان و زمزمه اوستا و سروش اهورا مزدا را به گوشش می‌خوانده‌اند، از آن پس با آیات قرآن و زبان الله از او تجلیل می‌کرده‌اند و اکنون علاوه بر آن با نماز و دعای تشیع و عشق به حقیقت امام علی و حکومت امام علی، او را جان می‌بخشند». (۱)

نشریه دارویی رازی این عید بزرگ جادویی را خدمت همه همکاران عزیز تبریک و شادباش می‌گوید و آرزو می‌کند که سال جدید مملو از خوبی‌ها و موفقیت برای شما عزیزان و برای ملت بزرگ ایران باشد.

حلول سال نو در بهار فرصتی است تا دست‌اندرکاران مجله رازی با مخاطبان گرامی خود و به ویژه داروسازان فرهیخته به گپ و گفت بپردازند و مشترکین محترم نشریه را از آخرین وضعیت آن آگاه سازند.

خوشبختانه مجله رازی از نظر محتوایی و تدوین مطالب مورد نیاز داروسازان عزیز مشکلی ندارد و هیئت تحریریه محترم که از برگزیدگان این رشته هستند، با تمام توان و بدون داشتن هیچ چشم‌داشت مادی و به دلیل عشق فراوان به ادامه انتشار نشریه و هم‌چنین تغذیه علمی همکارانشان مشغول فعالیت می‌باشند و انشاءالله این کار را ادامه خواهند داد. اما از آن‌جا که مخاطبان نشریه، خود جزو خانواده رازی محسوب می‌شوند و مقصد نهایی انتشار مجله هستند، باید در جریان این مشکل نیز قرار گیرند که نشریه به لحاظ مالی و تأمین بودجه با چالش‌هایی روبه‌رو است.

آرزو داریم که این مشکل از طرق گوناگون حل شده و نشریه رازی هم‌چون نوروز شادمانه و بانشاط کامل به کار خود ادامه دهد.

دکتر سید محمد صدر

منبع

۱. شریعتی ع. کویر. چاپ چهارم. مشهد: نشر سپیده باوران؛ ۱۳۹۰: ۳۲۵-۳۱۷.